

دفاع اجتماعی و اصول راهنمای آن در اندیشه امام خمینی (ره)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۵/۱۹

تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۶/۲۲

فرزاد پورسعید^۱

چکیده

مقاله حاضر به تبیین مفهوم «دفاع اجتماعی» در کنش گفتاری امام خمینی (ره) می‌پردازد. دفاع اجتماعی مفهومی نوظهور است که در چارچوب مطالعات و ادبیات مقاومت و مبارزه خشونت‌پرهیز، در حدود دو دهه از عمر آن می‌گذرد. این مفهوم به مقاومت عمومی در برابر حاکمیت نظامی دشمن در شرایط اشغال کشور ناظر است. نویسنده در مجموع معتقد است امام خمینی (ره) به این شرایط توجه داشته‌اند و حداقل در سه فراز از سخنان خود احتمال آن را در نظر گرفته‌اند. بر این اساس، نویسنده پنج اصل راهنما را از میان رهنمودهای ایشان به عنوان مقدمه‌ای برای تدوین دکترین دفاع اجتماعی جمهوری اسلامی ایران استخراج می‌کند که عبارتند از «وجوب دفاع عمومی حتی در غیاب فتوای شرعی»، «وجوب مقدمات دفاع عمومی در قالب بسیج عمومی و آمادگی دفاعی»، «لزوم مردم‌پایگی حکومت و حفظ پشتیبانی مردم»، «اتکا بر خداوند و تجهیز به سلاح ایمان» و «بهره‌گیری از نهادهای مذهبی (مسجد) برای سازمان‌دهی دفاعی».

کلیدواژه‌ها: دفاع اجتماعی، امام خمینی (ره)، کنش گفتاری، دفاع عمومی، بسیج

عمومی

دفاع اجتماعی^۱ مفهومی است که در دو دهه گذشته و در چارچوب مطالعات و ادبیات مبارزات و مقاومت خشونت‌پرهیز به ویژه از سوی برایان مارتین مطرح شده است. مراد از این مفهوم، مقاومت و مبارزه مردمی علیه حاکمیت نظامیان در دو موقعیت و شرایط خاص است؛ نخست، در شرایطی که کشوری از سوی نظامیان متجاوز خارجی اشغال شده و در وضعیت بی‌حکومتی قرار دارد و یا حکومت در موقعیت دست‌نشانده‌گی نیروی اشغال‌گر قرار گرفته است. در این وضعیت، به طبع، ارتش ملی و نیروی نظامی کشور نیز از هم پاشیده و ارتش کلاسیک و منظمی وجود ندارد که با اشغال‌گران مقابله کند. وضعیت دوم نیز کودتاست که به حاکمیت نظامیان منتهی می‌شود. مفروض مفهوم یا نظریه دفاع اجتماعی این است که در این شرایط، آنچه می‌تواند اشغال‌گری یا کودتا را با شکست مواجه کند و اشغال‌گران و کودتاچیان را به عقب‌نشینی و اعاده حاکمیت سابق وادار نماید، مقاومت و مبارزه مردمی است که در شاکله و چارچوب اجتماع صورت می‌پذیرد و می‌تواند در برگیرنده طیفی از اقداماتی شود که یک سوی آن عدم اطاعت و نافرمانی مردمی از حکومت نظامی است و در سوی دیگر آن، مبارزه و مقاومت اجتماعی، حتی در قالب کنش مسلحانه قرار دارد. بر این اساس، پرسش اصلی مقاله حاضر این است که آیا امام خمینی (ره) به عنوان بنیان‌گذار و رهبر جمهوری اسلامی و فرمانده کل قوا، به این فاز یا مرحله، یعنی مرحله اشغال کشور و دفاع در برابر آن توجه داشته‌اند و اگر چنین بوده است، آیا می‌توان از اندیشه و گفتار ایشان، اصولی را استخراج نمود که راهنمای تدوین استراتژی دفاع اجتماعی جمهوری اسلامی ایران برای پیش‌گیری از غافل‌گیری در آن مرحله باشد؟ در پاسخ باید گفت امام خمینی (ره)، در گفتار و کنش گفتاری خود متوجه این مرحله بوده‌اند و حداقل در سه فراز از سخنان خود از احتمال رخداد این مرحله در ایران سخن گفته و از آن با عنوان «کشورگیری» یاد کرده‌اند. به نظر ایشان، در این مرحله، آنچه واجب می‌شود «دفاع عمومی» است که لازمه آن «بسیج عمومی» می‌باشد. بر این اساس



می‌توان پنج اصل راهنما را از کنش‌گفتاری امام خمینی (ره) استخراج نمود که در کنار هم می‌توانند مقدمات تدوین دکترین دفاع اجتماعی جمهوری اسلامی ایران را شکل دهند. این پنج اصل عبارتند از «وجوب دفاع عمومی حتی در غیاب فتوای شرعی»، «وجوب مقدمات دفاع عمومی در قالب بسیج عمومی و آمادگی دفاعی»، «لزوم مردم‌پایگی حکومت و حفظ پشتیبانی مردم»، «اتکا بر خداوند و تجهیز به سلاح ایمان» و «بهره‌گیری از نهادهای مذهبی (مسجد) برای سازمان‌دهی دفاعی». البته، برخی از این اصول مختص این مرحله نیستند و در دیگر شرایط و موقعیت‌ها نیز موضوعیت می‌یابند، اما از رهنمودهای امام (ره) می‌توان دریافت که از ملزومات و اصول این مرحله، یعنی دفاع اجتماعی یا دفاع عمومی نیز می‌باشند.

الف. دفاع اجتماعی؛ چستی و چرایی

مفهوم یا نظریه دفاع اجتماعی، به معنای برانداختن حاکمیت نظامیان اشغال‌گر و وادار کردن آنها به ترک سرزمین‌های اشغالی از طریق مقاومت عمومی مردم، گرچه در عمل سابقه‌ای دیرینه دارد، اما در مقام مفهوم‌پردازی و چارچوب‌بندی نظری، بسیار نوپاست و کمی بیش از دو دهه از عمر آن می‌گذرد. در واقع، مفصل‌بندی نظری این مفهوم در چارچوب مطالعات و ادبیات مبارزات خشونت‌پرهیز، در اوایل دههٔ نود قرن بیستم و هم‌زمان با رخداد برخی انقلاب‌های نرم علیه ارتش اشغال‌گر سرخ در اروپای شرقی وارد فضای نظری و مطالعاتی شد. برخی نظریه‌پردازان این مفهوم عبارتند از برایان مارتین،^۱ آدام رابرتز^۲ و تئودور ابرت^۳. بر این اساس و در چارچوب این مفصل‌بندی نظری، دفاع اجتماعی را می‌توان مقاومت اجتماعی غیرنظامیان علیه نیروهای نظامی متجاوز یا اشغال‌گران دانست که البته شامل مقاومت علیه کودتاگران یا مقوله «ضد کودتا» نیز می‌شود (Martin, 1994: 49).

1. Brian martin
2. Adam Roberts
3. Theodor Ebert



در خصوص این مفهوم چند نکته قابل ذکر است. اول آنکه، طبق تعریف، دفاع اجتماعی نوعی مقاومت «اجتماعی» می‌باشد نه «ملی». به بیان دیگر، مرحله‌ای پس از دفاع ملی است. دلیل این امر آن است که دفاع ملی یا مقاومت ملی با محوریت نیروهای نظامی و پشتیبانی جامعه ملی از آن در برابر تجاوز به مرزهای ملی از سوی نظامیان بیگانه صورت می‌گیرد، اما دفاع اجتماعی زمانی موضوعیت می‌یابد که نیروی نظامی متجاوز، از مرزهای ملی عبور کرده و کشور را به اشغال خود در آورده است. در این شرایط، در مقام عمل و به صورت دوفاکتو، دیگر مقولاتی مانند «حکومت ملی»، «ارتش ملی» و «مرزهای ملی» وجود ندارند و آنچه در عمل باقی مانده است، اجتماع است که لزوماً «ملی» نیست، یعنی ممکن است پیوستگی و انسجام جامعه ملی نیز در اثر اشغال‌گری با شکنندگی و آسیب‌پذیری بسیار مواجه شده باشد. در این شرایط است که دفاع در برابر نیروی اشغال‌گر، مقوله‌ای اجتماعی می‌شود، یعنی غیرنظامیان محوریت دفاع و مقاومت را بر عهده می‌گیرند.

نکته دوم آن است که در چارچوب این نظریه، بسیاری بر دفاع مسالمت‌آمیز یا دفاع اجتماعی مبتنی بر اقدامات خشونت‌پرهیز شامل اعتراض‌های گسترده، تحریک و تشویق، عدم همکاری، خرابکاری، اعتصاب فراگیر و مانند آن تأکید می‌کنند و شاکله اصلی دفاع اجتماعی را خشونت‌پرهیزی و دفاع غیرنظامی می‌دانند. در عین حال، گروهی دیگر نیز هستند که دفاع اجتماعی را مقوله‌ای مرتبط با دفاع و مقاومت غیرنظامیان و نه لزوماً غیرنظامی می‌بینند و معتقدند دفاع اجتماعی، مقاومت منفعل یا غیرمسلحانه نیست، بلکه می‌تواند انواع مقاومت مسلحانه، از جمله مبارزات چریکی یا پارتیزانی را نیز در بر گیرد (Martin, 1993: 10). آنچه در این مقاله مد نظر قرار دارد، ایده دوم است.

نکته سوم آن است که دفاع اجتماعی بر پایه مشارکت عمومی استوار است و از این رو، وابستگی به نیروی متخصص دفاع نظامی را از بین می‌برد. در واقع، دفاع اجتماعی مقوله‌ای است که به همه اقشار اجتماعی و گروه‌های اجتماعی مربوط می‌شود. از این رو، این مقوله با جامعه‌ای که مبتنی بر برابری و

مشارکت سیاسی گسترده‌تری می‌باشد، سازگاری بیشتری دارد. به بیان دیگر، در جوامعی که حکومت در آنها مردم‌پایه بوده و شاکله اجتماعی از سوی حکومت تضعیف نشده است، امکان بیشتری برای شکل‌گیری دفاع اجتماعی وجود دارد (Martin, 1993: 7). به همین دلیل است که شکاف دولت - ملت یا حکومت - جامعه، بهترین محمل و فرصت برای تجاوز نیروی نظامی بیگانه است. باز از همین روست که قدرت‌های بزرگ سعی می‌کنند قبل از هجوم نظامی، گزینه تحریم اقتصادی فلج‌کننده را در دستور کار قرار دهند تا از این طریق بتوانند به تدریج، شاکله و فابریک اجتماعی کشور هدف را پوک کنند. در این صورت، آنها پس از غلبه بر مقاومت نظامی یا دفاع ملی نظامیان، با مقاومت اجتماعی یا دفاع اجتماعی مؤثری روبه‌رو نخواهند شد. مورد اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ از سوی ایالات متحده و متحدانش، مهم‌ترین نمونه از مواردی است که در آن دفاع اجتماعی مؤثری شکل نگرفت و مهم‌ترین دلیل آن، مردم‌ستیزی حکومت بعثی صدام و تحریم‌های ۱۲ ساله بین‌المللی علیه این کشور بود که در طول آن بیش از یک و نیم میلیون کودک عراقی جان باختند. در مقابل، می‌توان به دفاع اجتماعی مؤثر مردم افغانستان در برابر نیروهای اشغال‌گر شوروی سابق و حکومت دست‌نشانده آن و همچنین، دفاع اجتماعی کمابیش مؤثر مردم فرانسه و بلژیک علیه نیروهای اشغال‌گر نازی در جنگ جهانی دوم اشاره کرد (Martin & Varney, 1994: 49).

نکته چهارم آن است که دلیل بهره‌گیری از دفاع اجتماعی در برابر اشغال نظامی را می‌بایست در مزیت نسبی آن در بهره‌گیری از راهبرد نامتقارن یا عدم تقارن راهبردی جستجو کرد. به بیان دیگر، در این شرایط که تقارن راهبردی یا نظامی در برابر نیروی اشغال‌گر امکان‌ناپذیر است، مناسب‌ترین گزینه، راهبرد نامتقارن می‌باشد که از مبارزه خشونت‌پرهیز تا استراتژی‌های چریکی و پارتیزانی را در بر می‌گیرد. عدم تقارن راهبردی در مقام تعریف عبارت است از اقدامات نامتقارن و تلاش در جهت دورزدن یا تحت‌الشعاع قرار دادن قدرت و توانایی‌های حریف، به همراه استفاده بهینه از نقاط ضعف و آسیب‌پذیری‌های او و بکارگیری



شیوه‌هایی که تا اندازه زیادی با روش‌ها و شیوه‌های او متفاوت و متمایز باشد (کلهر، ۱۳۸۳: ۱۲۰).

ب. دفاع اجتماعی در کنش گفتاری امام خمینی(ره)

مطابق برداشتی که از مفهوم دفاع اجتماعی در بخش قبلی ارائه شد، در این بخش به تبیین این مفهوم در کنش گفتاری بنیان‌گذار فقیه جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم. امام خمینی(ره) در مقام بنیان‌گذار «جمهوری اسلامی ایران» و نظریه‌پرداز فقه سیاسی شیعه که به مقام ولایت فقیه‌ی نیز رسیده بود، ایده‌پردازی و ارائه نظریه در خصوص مقوله دفاع در جمهوری اسلامی را در کانون توجه خود قرار داده بود و بخش مهمی از گفتارهای خود را پیرامون آن صورت‌بندی نمود. در عین حال، گفتارهای ایشان در این خصوص، صرفاً جنبه کلامی نداشت و از بار کنش‌گری نیز برخوردار بود. به بیان دیگر، ایشان با گفتار خود، در عین نظریه‌پردازی در خصوص مقوله دفاع، هم‌زمان فعلی نیز انجام می‌دادند و آن همانا تعیین دستور کار دفاع در جمهوری اسلامی ایران و تعیین «اصول راهنمای دفاع» یا دکتترین دفاعی بود. دلیل این امر آن بود که ایشان بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی و رهبر آن به شمار می‌رفت و از این امکان برخوردار بود که در مقام کنش‌گر امنیتی‌کننده نیز ایفای نقش نماید. کنش‌گر امنیتی‌کننده، در مقام تعریف، شخص یا گروهی است که کنش گفتاری امنیتی و از جمله، کنش گفتاری «دفاعی» را انجام می‌دهد. بازیگرانی که این نقش را به اجرا می‌گذارند، رهبران سیاسی، دیوان‌سالاری‌ها، حکومت‌ها، گروه‌های سیاسی و گروه‌های ذی‌نفوذ هستند (بوزان، ویور و دوویدل، ۱۳۹۰: ۷۴). در توضیح بیشتر باید خاطر نشان کرد رویکرد به دفاع و امنیت از منظر کنش گفتاری، مستلزم نوعی تفکیک میان تحلیل‌گر و نظریه‌پرداز دفاعی - امنیتی و کنش‌گر یا بازیگر دفاعی - امنیتی است. مقام تحلیل‌گر، این مقولات را به ترتیبی که می‌بیند تعریف می‌کند و آنها را در چارچوب نظری خاصی جای می‌دهد؛ زیرا تنها از این راه است که



۴۰

سال دوم
شماره ۷
پائیز ۱۳۹۲

می‌تواند درک منسجمی از اقدامات بازیگران یا کنش‌گران امنیتی به دست دهد. گرچه تحلیل‌گران در پرداختن به موضوعات دفاعی - امنیتی نقش دارند، اما وظیفه اصلی آنها این نیست که تعیین کنند آیا فلان تهدید، معضل دفاعی - امنیتی است یا نه؟ در مقابل، کنش‌گران امنیتی یا امنیتی‌کننده، در عین حال که می‌توانند نظریه‌پرداز دفاعی - امنیتی نیز باشند، غالباً برخی موضوعات را به عنوان شکل خاصی از کنش سیاسی (رهبری نظام سیاسی، رهبری جنبش سیاسی یا اجتماعی، رهبری حزب سیاسی و مانند آن)، امنیتی می‌کنند، یعنی مشخص می‌کنند چه چیزی تهدید دفاعی - امنیتی است، مرجع پاسخ‌گویی به این تهدید کدام است و ابزارهای مشروع برای این پاسخ‌گویی کدام‌اند؟

بر این اساس و چنانچه در مقدمه آمد، پرسش اصلی مقاله آن است که آیا امام خمینی (ره) علاوه بر دفاع ملی، به فاز یا مرحله دفاع اجتماعی هم توجه داشته‌اند؟ به بیان دیگر آیا متوجه مرحله‌ای که در آن علاوه بر تجاوز نیروهای نظامی بیگانه، کشور تحت اشغال این نیروها قرار بگیرد نیز بوده‌اند؟ و در این صورت، کدام اصول راهنما را می‌توان از کنش‌گفتاری ایشان در جهت تدوین دکترین دفاع اجتماعی جمهوری اسلامی، استخراج نمود؟

در پاسخ به این پرسش، باید گفت حضرت امام (ره)، حداقل در سه فراز از سخنان خود به شرایط احتمالی اشغال کشور از سوی قدرت‌های بزرگ یا نیروهای نظامی بیگانه توجه کرده‌اند و از آن با عنوان «کشورگیری» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۱۵۷) یاد می‌کنند.

یکی از این موارد به احتمال حمله اتحاد جماهیر شوروی سابق به کشور با هدف اشغال آن باز می‌گردد که حضرت امام (ره)، آن را پیش از تجاوز عراق به جمهوری اسلامی ایران و وقوع جنگ تحمیلی مطرح کردند:

«اگر می‌گویند که شوروی مثلاً مستقیماً دخالت می‌کند در ایران و لشکر سرخ می‌ریزد ایران را می‌گیرد، این دروغ است... برای اینکه همچو کاری نمی‌تواند بکند... ما اگر فرض هم بکنیم که یک لشکر اجنبی وارد بشود به مملکت‌مان، این هم باز همه تجربه کردند در تاریخ که اجنبی اگر بیاید ممکن است وارد بشود و



زورش غلبه کند بر یک ملتی، لکن نمی‌تواند بماند در آنجا. وقتی که آمد و وارد شد، هر فردی از آن را این ملت از بین می‌برد، تمامش می‌کند» (صحیفه امام، ج ۵: ۳۶۴).

مورد دوم نیز به تجربه شکست شوروی در اشغال افغانستان و به طبع، شکست هر هجومی به کشور اسلامی ایران که با هدف اشغال آن صورت بگیرد، مربوط می‌شود. به بیان حضرت امام (ره):

«توجه کنید شما به افغانستان، در صورتی که کمونیست‌هایش، دولتش - نمی‌دانم - مخالف بودند با مردم. همین عده مردمی که مال ملت بودند و مال اسلام بودند، همه طریقه اسلامی داشتند؛ همین‌ها تا کنون بعد از بیشتر از یک سال مقاومت کردند و شوروی را پشیمان کردند از این کاری که کرده است و یکی از کسانی که از ارتش‌های شوروی بوده و فرار کرده بود، می‌گفت تا کنون سی هزار جمعیت ارتشی شوروی در افغانستان کشته شده است. اینها می‌بینند نمی‌شود در یک کشوری که ملتش یک چیزی را می‌خواهند نمی‌شود خلافش کرد. حالا آنجا دولتشان هم موافق با آنها بود... اینجا که ما نه یک حزب مخالفی داریم و نه یک دولت مخالفی داریم و نه یک مجلس مخالفی؛ هیچی. در اینجا بیایند چه بکنند؟ هر کوچه بروند، هر کوچه، اینها باید بروند از ماورای ابرها عبور کنند. بالاخره کشورگیری و منفعت از کشور با آسمان نمی‌شود؛ زمین می‌خواهد، زمین هم نمی‌توانند بیایند» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۱۵۷-۱۵۶).

مورد سوم نیز هشدار امام (ره) در خصوص احتمال هجوم آمریکا و تلاش آن برای اشغال ایران است به بیان ایشان:

«وقتی یک انقلاب از خود مردم شد، این را نمی‌شود با یک دسته‌ای بلکه با یک لشکرهایی این را بر هم زد. می‌شود که فرض کنید یک قدرت بزرگ مثل آمریکا حمله کند به ایران و ایران را بگیرد، لکن نمی‌تواند انقلاب را بر هم بزند، نمی‌تواند که این مردم را رام کند. ما دیدیم که قدرت به آن بزرگی شوروی به افغانستان حمله کرد، منتهی با یک صورتی که غیرحکومت افغانستان خواسته



این را، لکن وقتی وارد شد قدرت و قوای او به افغانستان فشل شد و الان به نظر می‌رسد که پشیمانند، لکن رویشان نمی‌آید بگویند. اگر آمریکا، فرض کنید بیاید ایران را بگیرد، ابتدا بتواند یک همچو کاری بکند، نمی‌تواند در اینجا ادامه پیدا کند، می‌تواند که طیاره‌هایش را جنگنده‌هایش را بفرستد و شهرها را بمباران کند و اینها، ولی وقتی آمدند روی زمین، مردم آنها را با چنگ و دندان از بین می‌برند» (صحیفه امام، ج ۱۶: ۱۱).

از همین روست که ایشان می‌فرمایند:

«ما نه از اقدام نظامی می‌ترسیم و نه از محاصره اقتصادی... برای اینکه ما شیعه یک ائمه‌ای هستیم که آنها شهادت را استقبال می‌کردند، ملت ما هم امروز شهادت را استقبال می‌کند. فرضاً که آقای کارتر بتواند نظامی بیاورد اینجا، با اینکه نمی‌تواند همچو کاری بکند، دخالت نظامی بکند، نمی‌تواند بکند، فرض می‌کنیم که خیر تفاهم کنند این ابرقدرت‌ها که به ایران نظامی بفرستند، ما ۳۵ میلیون جمعیت داریم که اینها بسیاریشان، بسیار زیادشان آرزوی شهادت می‌کنند. ما با این ۳۵ میلیون به میدان می‌رویم، بعد که ما همه شهید شدیم، خودتان با ایران هر کاری می‌خواهید بکنید. از این ما نمی‌ترسیم، ما مرد جنگیم، ما مرد مبارزه هستیم. ما جوان‌هایمان با مشت معارضه و مبارزه کرد با تانک‌ها و توپ‌ها و مسلسل‌ها. ما را آقای کارتر از مبارزه نترساند. ما اهل مبارزه هستیم، ولو نداشته باشیم ابزار مبارزه، لکن بدن داریم در مقابل اینکه ما را بزنند و این را عمل خواهیم کرد» (صحیفه امام، ج ۱۱: ۳۸).

در عین حال، ایشان، مرحله مذکور را نوعی شرایط خاص می‌دانند که در آن وضعیت، «دفاع عمومی» (صحیفه امام، ج ۲۰: ۹) بر همه واجب می‌شود و از این رو، می‌بایست مسئولین کشور به شکل‌دهی «بسیج عمومی» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۱۵۶)، اهتمام ورزند. متناسب با این گزاره‌ها و مفاهیم و همین طور، بیانات حضرت امام (ره)، می‌توان پنج اصل راهنما را که البته، لزوماً به شرایط خاص اشغال کشور محصور و منحصر نیست، استخراج نمود که به ترتیب عبارتند از:



۱. وجوب دفاع عمومی حتی در غیاب فتوای شرعی

در رویکرد فقهی حضرت امام خمینی (ره) به عنوان معمار جمهوری اسلامی و همچنین، فرمانده کل قوا، نوعی تمایز عقلی و شرعی بین امر جهاد و امر دفاع وجود دارد؛ بدین صورت که جهاد و به خصوص جهاد ابتدایی، وجوب همگانی ندارد و برعهده خاصی مترتب می‌شود و در عین حال نیازمند فتوای شرعی است، اما دفاع و به ویژه دفاع عمومی، بر همگان واجب می‌شود و از این رو، مشارکت عمومی در آن لازم و واجب عقلی و شرعی است:

«قضیه جهاد یک قضیه است، قضیه دفاع قضیه دیگر. قضیه جهاد یک شرایطی دارد. برای اشخاص خاصی هست. برای گروه معینی هست با شرایطی لکن قضیه دفاع عمومی است. مرد، زن، بزرگ، کوچک، پیر، جوان همان طوری که عقل انسان هم آن حکم می‌کند که اگر کسی هجوم آورد برای منزل یک کسی، اهالی آن منزل، هر یک که هست دفاع می‌کنند از خودشان دیگر اینجا هیچ شرطی نیست، همه باید دفاع بکنند و اگر به کشور ما کشور اسلامی ما هجوم بکنند و بخواهند تعدی بکنند، تجاوز بکنند، بر همه افراد مملکت، بر همه افراد کشور، چه زن، چه مرد، کوچک، بزرگ اینجا دیگر شرطی نیست، بر همه واجب است که دفاع کنند... چه یک پیرمردی هم که خیلی کار از او نمی‌آید، باید شرکت کند در دفاع، آنقدر که می‌تواند دفاع کند» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۲۴۰-۲۳۹).

در این صورت، قیام به دفاع نیازمند هیچ‌گونه حکم ولی فقیه و یا حتی وجود ولی نیست؛ یعنی حتی اگر در فرض اشغال کشور، ولی فقیه نتوانست با جامعه ارتباط برقرار کند، دفاع اجتماعی و عمومی واجب شرعی و حکم عقلی است و از احدی ساقط نمی‌شود. به بیان حضرت امام (ره):

«دفاع را احدی از مسلمین نیست که، احدی از علمای اسلام نیست که بگوید دفاع در اسلام نیست. دفاع هیچ احتیاج به ولی ندارد، هیچ احتیاج به یک امامی ندارد. تمام مسلمین اگر یک وقت بنا شد بهشان هجومه بشود، خودشان باید دفاع



کنند، مستقلند در این امر و کشور ایران مستقلاً ولو اینکه ولی فقیه هم نگوید، ولو اینکه علما هم نگویند - با اینکه می‌گویند آنها هم - مردم مکلف شرعی هستند به اینکه دفاع کنند و حکم عقل‌شان این است که از کشور خودشان، از ناموس خودشان، از مال خودشان دفاع کنند» (صحیفه امام، ج ۱۹: ۲۱۵).

۲. وجوب مقدمات دفاع در قالب بسیج عمومی

دومین اصل راهنمای دفاع عمومی یا اجتماعی، نتیجه اصل نخست است. بر این اساس، حال که دفاع عمومی واجب است، مطابق منطق فقهی حضرت امام (ره)، مقدمات آن هم واجب می‌شود:

«... اگر دفاع بر همه واجب شد، مقدمات دفاع هم باید عمل بشود، از آن جمله قضیه اینکه ترتیب نظامی بودن، یادگرفتن انواع نظامی بودن را برای آنهایی که ممکن است. این طور نیست که واجب باشد بر ما که دفاع کنیم و ندانیم چه جور دفاع کنیم، باید بدانیم چه جور دفاع کنیم» (صحیفه امام، ج ۲۰: ۸).

این مقدمات نیز سه رکن اساسی دارد که عبارتند از «بسیج عمومی برای دفاع همه‌جانبه»، «آمادگی دفاعی و انتقال تجارب در زمان صلح» و «وحدت عمومی اقشار اجتماع».

مطابق رکن نخست، امام خمینی (ره)، قائل به لزوم بسیج عمومی جامعه برای دفاع همه‌جانبه در برابر دشمن بودند:

«اگر غفلت شود و با قدرت و پشتکار در مقابل دشمنان بشریت خود را مهیا نکنند و با بسیج عمومی که به خواست خداوند متعال، هیچ قدرتی نمی‌تواند با آن مقابله کند، مهیای دفاع از کشور و اسلام نشود، خود را و کشور خود را با دست خود به تباهی کشانده است. من از آنچه تا کنون به همت مردان و زنان با شرف و رزمنده شده است، امید آن دارم که در بسیج همه‌جانبه آموزش نظامی و عقیدتی و اخلاقی و فرهنگی با تأیید خداوند متعال موفق شوند و دوره تعلیمات و تمرین‌های عملی نظامی و پارتیزانی و چریکی را شایسته و به طوری



که سزاوار یک ملت اسلامی به پا خاسته است به پایان رسانند» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۱۵۹).

این بسیج عمومی می‌بایست همراه با نوعی آمادگی دفاعی باشد که به بیان حضرت امام(ره) می‌بایست در شرایط دفاع عمومی، عمدتاً شامل آموزش جنگ‌های چریکی و پارتیزانی شود:

«ما امروز که مواجه هستیم با قدرت‌های بزرگ و شیطنتهای بزرگ باید مهیا بشویم برای دفاع... از این جهت ما باید مهیا بشویم. مهیاشدن یکی این است که با قوه، چه قوه افرادی و چه قوای دیگر، باید مهیا بشود... و مهیاشدنیان هم به طوری باشد که با این مهیاشدن بترسند آنهایی که بنای خیال هجمه دارند... اگر نباشد که در یک کشور سی و چند میلیونی، بیست میلیون قیام کردند برای اینکه مهیا کنند خودشان را از برای دفاع، ولو آن تتمه هم در وقتی که مقتضی شد و محتاج به دفاع شد، آنها هم باید بکنند. آن روزی را ملاحظه کنند که یک وقت دشمن رو آورد به طرفشان. هم باید تجهیزات مهیا بشود به قدری که بترساند دشمن‌ها را و هم باید قوای افراد، قوای نظامی، قوای چریکی، قوای پارتیزانی باید مهیا بشود و هم قوه ایمان باید زیاد بشود... و من امیدوارم که شما هم آن چیزهایی که در نظام هست و یا در چریکی هست و یا در پارتیزانی هست به شایستگی به خوبی یاد بگیرید... و از همه اینها قدرت ایمان است که خودتان را تربیت کنید، تزکیه کنید» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۲۴۳-۲۴۰).

در این مرحله، به بیان حضرت امام(ره)، همه اقشار باید کسب آمادگی کنند و تفاوتی در این خصوص میان هیچ کس نیست:

«شما خانم‌ها، شما زن‌ها توجه به این معنا داشته باشید که همان طوری که بر مردها و در جبهه لازم است که جلو بروند و پیش‌قدم باشند، شما هم در خارج، در پشت جبهه باید کمک بکنید و مهیا بشوید که چنانچه خدای نخواست، یک وقت دفاع عمومی واجب شد بر همه؛ یعنی همه ما بی‌استثنا، هرکس قدرت دارد بی‌استثنا دفاع بر او واجب شد، مهیا باشید از برای دفاع» (صحیفه امام، ج ۲۰: ۹).



بر این اساس، امام(ره) مسئولان نظام را توجه می‌دهند که می‌بایست در شرایط صلح، تجارب نظامی و دفاعی به «کلیه آحاد ملت» منتقل شود و استراتژی دفاع همه‌جانبه تدوین گردد:

«... باید بزرگترین توجه ما به بازسازی نیروهای و استعدادها و انتقال تجارب نظامی و دفاعی به کلیه آحاد ملت و مدافعان انقلاب باشد، چرا که در هنگامه نبرد مجال پرداختن به همه جهات قوت‌ها و ضعف‌ها و طرح‌ها و برنامه‌ها و در حقیقت، ترسیم استراتژی دفاع همه‌جانبه نبوده است، ولی در شرایط عادی باید با سعه صدر و به دور از حب و بغض‌ها به این مسائل پرداخت و از همه اندوخته‌ها و تجربه‌ها و استعدادها و طرح‌ها استفاده نمود و در جذب هرچه بیشتر نیروهای مؤمن به انقلاب همت گماشت و تجارب را به دیگران منتقل ساخت و در تجهیز کلیه آحاد و افراد این کشور، بر اساس اصول و فرمول خاص دفاع همه‌جانبه و تا رسیدن به تشکل واقعی و حقیقی بسیج و ارتش بیست میلیون کوشش نمود» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۳۴).

در نهایت، مهم‌ترین مقدمه دفاع عمومی که بر همگان واجب است و موجب می‌شود هیچ آسیبی به مملکت نرسد، اصل وحدت عمومی جامعه است. به بیان حضرت امام(ره):

«از امور مهمه‌ای که بر همه ما واجب است، دفاع از اسلام، دفاع از جمهوری اسلامی است و آن بستگی دارد به وحدت. هر کس در هر لباسی که باشد و در هر مکانی باشد و زبانش جریان پیدا کند برای اینکه ولو به واسطه‌هایی بخواهد ایجاد اختلاف بکند بین شما، این از جنود ابلیس است و مطرود است پیش خدا و مسئول است پیش خدا ولو اینکه یک آدمی باشد که نماز شبش ترک نمی‌شود... این مسأله مسأله مهمی است، مسأله وحدت بین شما و وحدت همه قشرهای مختلف ایرانی یک امر مهمی است برای حفظ کیان اسلام که واجب است بر همه ما، چنانچه بر همه ما واجب است که به هر طور می‌توانیم دفاع کنیم از اسلام» (صحیفه امام، ج ۲۰: ۸۰-۷۹).



۳. لزوم مردم‌بایگی حکومت و حفظ پشتیبانی مردم

چنانکه گفته شد، دفاع اجتماعی با جوامعی سازگاری بیشتری دارد که حکومت در آنها مردم محور یا مردم‌پایه بوده از پشتیبانی عمومی مردم برخوردار باشد. مطابق بینش امام (ره)، تمامی آحاد جامعه از حقوق شهروندی و حق تشکیل حکومت برخوردارند و کلیت جمهوری اسلامی و در حقیقت، دولت اسلامی می‌بایست تابع رأی ملت باشد. البته، این تلقی نیز به نظر امام (ره)، نوعی بینش دینی است:

«ما بنای بر این نداریم که یک تحمیلی به ملتمان بکنیم و اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طور رأی داد، ما هم از آنها تبعیت می‌کنیم. ما حق نداریم، خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که ما به ملت‌مان یک چیزی را تحمیل بکنیم» (صحیفه امام، ج ۱۱: ۳۴).

بر این اساس، بقا و استمرار جمهوری اسلامی بدون حضور و پشتیبانی مردم امکان‌پذیر نمی‌باشد و از این رو، مردم در مقام پایگاه اجتماعی دولت (اسلامی)، اصالت می‌یابند. به بیان امام (ره):

«هم تکلیف شرعیتان است، هم حکم عقل است که ما باید حفظ کنیم مردم را... ما وقتی مردم را داریم، اسلام را داریم و رضای خدا را داریم، همه چیز داریم» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۲۵۳). «همه می‌دانید و باید بدانیم مادامی که ملت، پشتیبان مجلس و دولت و قوای مسلح هستند و دولت و مجلس و قوای مسلح در خدمت ملت به ویژه قشرهای محروم می‌باشند و جلب رضای خداوند را در این خدمت متقابل می‌نمایند، هیچ قدرتی توانایی آسیب‌رساندن به این نظام مقدس را ندارد و اگر خدای نخواستہ یکی از این دو یا هر دو از خدمت متقابل دست بردارند شکست جمهوری اسلامی و اسلام بزرگ، اگرچه در درازمدت، حتمی است. بنابراین، ترک این خدمت متقابل که به شکست اسلام و جمهوری اسلامی منتهی می‌شود، از بزرگترین گناهان کبیره است که باید از آن اجتناب



شود. چنانچه این خدمت از واجبات بزرگ است که باید به آن قیام نمایند» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۳۹۱).

در چنین صورتی، به بیان حضرت امام(ره)، مردم نیز می‌بایست متقابلاً در صحنه حاضر بوده و از کیان کشور و نظام دفاع کنند. بر این اساس، عبارت «حضور مردم در صحنه» در کنش گفتاری امام(ره)، جایگاه و مقامی استراتژیک دارد و بقای نظام و کشور در گرو آن است:

«امروز ایران همان طور که می‌دانید مورد هجوم خارجی و توطئه‌های داخلی است، لکن این توجه ملت بزرگ و حضور زن و مرد جامعه اسلامی ما امیدبخش است. این حضور شماها در صحنه، امید این را می‌دهد که نه توطئه‌های داخلی موفق بشوند نه آن طرح‌های شیطانی خودشان و نه هجوم خارجی بتواند به این ملت آسیب برساند. سرتاسر ایران ملتی است که همان‌طور که در اول نهضت، حاضر در صحنه بودند و با حضور خودشان بیمه کردند این کشور را و اسلام را، الان هم در سرتاسر کشور همه حضور دارند در صحنه» (صحیفه امام، ج ۱۴: ۲۸۴). «ملت مجاهد متعهد که در طول انقلاب و جنگ تحمیلی از کمک‌های شایان به جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها دریغ نکرده است و یکی از ارکان پیروزی، حضور ملت در همه صحنه‌ها، خصوصاً صحنه جنگ است» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۲۹۶).

۴. اتکا به خداوند و تجهیز به سلاح ایمان

در اندیشه حضرت امام(ره)، در همه شرایط و صحنه‌ها و از جمله در عرصه دفاع عمومی، تجهیز به سلاح ایمان و اتکا به خداوند، مهم‌تر و اساسی‌تر از تجهیز به سلاح‌های دنیوی و اتکا به قدرت‌های مادی است:

«ایران در صورتی که یک جمعیت محدود فوقش چهل میلیونی دارد و یک مهمات و اسلحه محدود دارد، در عین حال ایستاده در مقابل همه قدرت‌ها و از هیچ قدرتی هم باک ندارد، برای اینکه به یک قدرت اتکال دارد و او خداست.



وقتی به او اتکال داشت و اتصال داشت، احتیاج به اینکه به دیگران اتصال پیدا کند، ندارد» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۳۲۲). «این قوه ایمان است. یعنی یک مؤمنی که اگر بکشد بهشت می‌رود از اینجا بهتر است و اگر کشته بشود، بهشت می‌رود و از اینجا بهتر است با یک همچو حربه‌ای که حربه ایمان است. این دیگر ترس از این ندارد که کشته بشود. این شهادت را برای خودش سعادت می‌داند. آنهایی که مقابل شما هست برای دنیا می‌زنند. آنهایی که اعتقاد به ماورای طبیعت ندارند، اعتقاد به بهشت و جهنم ندارند، آنهایی که اعتقاد به ماورای طبیعت ندارند، اعتقاد به بهشت و جهنم ندارند، آنها برای همین دنیاست... اما این آدمی که برای خدا، این آدمی که برای مقصد الهی قدم بر می‌دارد و وارد میدان می‌شود، این آدم برای دنیا نیست تا اینکه لرزه‌ای در قلبش بیاید. این برای خداست» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۲۴۱). «هیچ اسلحه‌ای با ایمان نمی‌تواند مقابله کند، هیچ اسلحه‌ای با قیام ملت نمی‌تواند مقابله بکند. امروز همه اسلحه‌ها نمی‌توانند مقابله کنند با قیام مردم؛ هرچه بکشند باز نمی‌توانند» (صحیفه امام، ج ۳: ۳۹۲).

شرط اساسی این مرحله، یعنی اتکای مطلق و ایمان به خداوند آن است که در کنار آمادگی دفاعی، تربیت و تزکیه نفس و اتکا بر قوای الهی در دستور کار قرار گیرد:

«و من امیدوارم که شما هم آن چیزهایی که در نظام هست و یا در چریکی هست و یا در پارتیزانی هست و در این چیزها که هست، به شایستگی، به خوبی یاد بگیرید و هم تجهیزات به مقداری که امکان دارد برای یک مملکت آن تجهیزات را هم دولت فراهم خواهد کرد برای موقعی که لازم است... و از همه اینها بالاتر قدرت ایمان است که خودتان را تربیت کنید، تزکیه کنید. توجه به این نباشد که من با قدرت خودم می‌خواهم کی را بزنم زمین و فرض کنید غلبه کنم. توجه به این باشد که با قوه الهی پیش بروید. یعنی دستتان را، چشمتان را، نفستان را، همه چیزهایی که در اختیار شماست، اینها را تبدیل کنید از قوای شیطانی به قوای الهی... اگر تربیت کند خودش را همه الهی می‌شود. همه قوای شما الهی می‌شود و قوه الهی غلبه خواهد کرد» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۲۴۲-۲۴۳). «انشاءالله

آن بسیج عمومی که برای یادگرفتن باشد، هم تعلیمات دینی و یادگرفتن قرآن و کتاب و هم تعلیمات نظامی و اینها، یک کشور نظامی بشود؛ نظامی- الهی. یک همچو کشوری که اینطور شد، دیگر کسی به آن طمع نمی‌کند؛ برای اینکه می‌داند ضررش بیشتر از نفعش است» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۱۵۶).

در این صورت، شرط یاری حضرت باریتعالی و کمک از طریق جنود غیبیه آن است که ما نیز به عهد خود پایبند باشیم و در مسیر حفظ اسلام و کشور اسلامی قدم برداریم:

«ما که اتکائمان به مبدأ غنی مطلق است، از کی خواستار جهات مادی بشویم؟ ما که با تکبیر این جبهه‌ها را فتح می‌کنیم، از کی بخواهیم که با ما همراهی کند؟ ما از خدا می‌خواهیم؛ ما از خدا می‌خواهیم که با آن جنود غیبیه که دارد و با آن ملائکه الله که هست، به ما کمک بفرماید و می‌فرماید. لکن شرط این است که ما به عهد خود باقی باشیم؛ عهدی که با اسلام داریم؛ حفظ اسلام، حفظ کشور اسلامی، حفظ نوامیس اسلامی. ما باید این توجه را هیچ وقت از خود بیرون نکنیم، از مغز خود بیرون نکنیم که ما بندگان خدا هستیم و در راه او و در سبیل او حرکت می‌کنیم... اگر شهادت نصیب شد، سعادت است و اگر پیروز نصیب شد، سعادت است» (صحیفه امام، ج ۱۵: ۴۰۲-۴۰۴).

در این صورت است که جامعه آماده استقبال از شهادت می‌شود و در تمام ابعاد و جهات معنوی و مادی پیروز خواهد بود و شکست نخواهد خورد:

«فرق است مابین ایده شماها و دشمن‌های شما؛ آنها برای قدرتمندی، برای نمایش قدرت، برای شیطان با اسلام به جنگ برخاستند و شما برای خدا و برای رضای او و برای قوت دادن به اسلام و پیاده کردن احکام اسلام به دفاع برخاستید. شما مدافع از انسان‌های مظلوم در طول تاریخ هستید. مدافعات شما از اسلام و پیروزی شما انحصار به پیروزی در میدان ندارد. شما در تمام ابعاد پیروز هستید و شما در تمام جهات معنوی و مادی پیروز هستید و پیروزی شما پیروزی مستضعفین جهان است در طول تاریخ. شمایی که با آغوش باز و با روی گشاده به طرف الله و به طرف لقاء الله و به طرف شهادت می‌روید پیروز هستید؛ چه



در میدان جنگ پیروز بشوید و می‌شوید و چه خدای نخواستہ شکست بخورید و نخواهید خورد... بین این دو طایفه بسیار فرق است، آنکه مرگ را در آغوش می‌گیرد برای اینکه شهادت است برای اینکه از اسلام است برای اینکه دفاع از حق است و آنکه از مرگ فرار می‌کند برای طعمه جنگ می‌کند» (صحیفه امام، ج ۱۶: ۹۰-۹۱).

۵. بهره‌گیری از نهادهای مذهبی (مسجد) برای سازمان‌دهی دفاعی

ارتباطات و تشکیلات، دو عنصر مهم در فرایند سازمان‌دهی بسیج عمومی به شمار می‌روند. بدون ارتباطات، هیچ مقاومتی نمی‌تواند از فضای گفتمانی به فضای مادی وارد شود و از گذشته، این تشکیلات بوده است که ارتباطات را برقرار می‌کرده است. یکی از دلایل اسلامی بودن انقلاب ایران نیز وجود نهادهای مذهبی مستقل از دولت بود که در سازمان‌دهی انقلاب نقش مؤثری ایفا کرد. هنگامی که رژیم شاه اعتبار و استقلال نهادهای مدنی جدید از جمله وکلا، احزاب، مطبوعات، اتحادیه‌های کارگری و مانند آنها را از میان برد، متوجه این نکته نبود که مردم قادرند اتحاد و انسجام خود را در ذیل نهادهای مذهبی مستقل از دولت، حفظ کنند و گسترش دهند. در نتیجه، نهاد دین و روحانیت، همراه با شبکه وسیعی از مساجد، حسینیه‌ها، هیئت‌های مذهبی و حتی صندوق‌های قرض‌الحسنه، محمل مناسبی برای تشکل و سازمان‌دهی مردم شدند و ارتباطات میان انقلابیون در گستره جامعه ایران و حتی روستاها، در زیر پوسته فعالیت‌های مذهبی که به نوعی از مصونیت برخوردار بودند، شکل گرفت. این تجربه، مدل مناسبی برای سازمان‌دهی دفاع اجتماعی در شرایط خاص اشغال کشور است که در آن، مرجعیت رسمی و دولتی برای سازمان‌دهی بسیج عمومی وجود ندارد. حضرت امام (ره) نیز تأکید خاصی بر بهره‌گیری از مساجد در جهت امور مختلف سیاسی، اجتماعی و دفاعی دارند:

«در صدر اسلام از همین مسجدها، جنبش‌ها، ارتش‌ها راه می‌افتاد، مرکز تبلیغ



احکام سیاسی اسلام بوده و مسجد. هر وقت یک گرفتاری پیدا می‌شد، صدا می‌کردند که «الصلوه بالجماعه» اجماع می‌کردند، آن گرفتاری را طرح می‌کردند، این صحبت‌ها را می‌کردند. مسجد مرکز اجتماع سیاسی است و از این یک قدری وسعتش زیادتر می‌شود نماز جمعه» (صحیفه امام، ج ۱۰: ۱۶-۱۷). «مسجد الحرام و مساجد در زمان رسول اکرم مرکز جنگ‌ها و مرکز سیاست‌ها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بوده. این‌طور نبوده است که در مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله - همان مسائل عبادی نماز و روزه باشد؛ مسائل سیاسی اش بیشتر بوده. هر وقت می‌خواستند به جنگ بفرستند اشخاص را و بسیج کنند مردم را برای جنگ‌ها، از مسجد شروع می‌کردند این امور را» (صحیفه امام، ج ۱۸: ۵۲-۵۳).

نتیجه‌گیری

یکی از مزیت‌های هر استراتژی و برنامه دفاعی - نظامی، پیش‌بینی شرایط خاص و تدوین اصول یا رهنمودهای مؤثر برای کسب آمادگی در جهت مواجهه و رویارویی با آن و پیش‌گیری از غافل‌گیری‌های راهبردی در آن شرایط است. بر این اساس، در مقاله حاضر به شرایط خاص دفاع اجتماعی یا دفاع عمومی در وضعیت اشغال نظامی کشور در رهنمودها و یا «کنش گفتاری» حضرت امام خمینی (ره) پرداخته شد.

مقاله نشان داد که ایشان به چنین شرایط و موقعیت خاص احتمالی نظر داشتند و در خصوص آن به قدرت‌های بیگانه هشدار می‌دادند. بر این اساس، نویسنده مقاله تلاش نمود پنج اصل راهنما را که می‌توانند به مثابه مقدمه‌ای برای تدوین دکترین نوع اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته شوند، از این رهنمودها استخراج نماید که به ترتیب عبارت بودند از «وجوب دفاع عمومی حتی در غیاب فتوای شرعی»، «وجوب مقدمات دفاع عمومی در قالب بسیج عمومی و آمادگی دفاعی»، «لزوم مردم‌پایگی حکومت و حفظ پشتیبانی مردم»، «اتکا به قدرت خداوند و تجهیز به سلاح ایمان» و «بهره‌گیری از نهادهای مذهبی



(مسجد) برای سازماندهی دفاعی». در عین حال، باید به این نکته توجه داشت که همچنانکه حضرت امام(ره) نیز به کرات بر آن تأکید کرده‌اند، دفاع مقدس هشت ساله در برابر جنگ تحمیلی عراق، دستاوردها و برکات بسیاری در این عرصه دارد که می‌تواند منبع الهام، کسب و انتقال تجربیات و مبنای برنامه‌ریزی در جهت تدوین دکترین دفاع اجتماعی جمهوری اسلامی ایران باشد (صحیفه امام، ج ۲۱: ۲۸۴-۲۸۳). بی‌تردید، مهم‌ترین دستاورد و برکت در این حوزه، تجربه شکل‌گیری «بسیج عمومی مستضعفین» به فرمان حضرت امام(ره) می‌باشد.



۵۴

سال دوم
شماره ۷
پائیز ۱۳۹۲

منابع

بوزان، باری، ویور، الی و دوویدل، پاپ (۱۳۹۰): چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چ دوم.

کلهر، رضا (۱۳۸۳): «راهبرد جنگ نامتقارن»، راهبرد دفاعی، سال دوم، شماره چهارم، تابستان.

موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۶): صحیفه امام خمینی (ره)، تمام مجلدات، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

Martin, Brian (1993); *Social Defence, Social Change*, London: Freedom Press.

Martin, Brian & Varney, Wendy (2003); *Nonviolence Speaks: Communicating against repression*, NJ: Hampton Press.

Martin, Brian (1994); "Social Defence and Community Empowerment", *Australian Social Work*, Vol. 47, No. 1, pp. 48 – 51.



